

# نظارت همگانی از دیدگاه جامعه‌شناسی

نویسندگان: دکتر ابراهیم توفیق - رضا رستمی خزائی

حسام‌الدین صفاری - صادق آزمندیان

هدف از تهیه و تدوین کتاب پیشارو، توصیف و بررسی «مرکز نظارت همگانی (۱۸۸۸)» شهرداری تهران است. با این وجود آنچه در پی می آید، به هیچ رو مدعی توصیف و تحلیل تمام و کمال این نهاد تازه تاسیس (تاسیس: ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵) نیست. جوان بودن این نهاد از سویی و محدودیت زمانی که برای تهیه این کتاب در اختیار پژوهشگران قرار داشته است، از دیگر سو، پیشاپیش چنین ادعایی را بلاموضوع می سازد. پس، مطلب پیشارو، جز گامی آغازین به سوی شناخت پدیده مورد بررسی نمی تواند باشد. با این حال، ما امیدواریم، با این کار، زمین را برای پژوهش های بعدی هموار کرده باشیم.

مرکز نظارت همگانی (۱۸۸۸)، بر اساس شعار محوری «شهروند مسئول-مدیر پاسخگو» هستی و مشروعیت یافته است. این شعار ترجمان نوعی از مدیریت (شهری) است که در مفاهیمی بنیادی چون «حکمرانی خوب» و «مشارکت شهروندی» بازتاب می یابد که توأمان، شرایط امکان دستیابی به «توسعه پایدار» را بر می سازند. همانطور که ما در فصل های نظری-مفهومی (فصل ۱ تا ۴) نوشتار حاضر نشان خواهیم داد، دستیابی به توسعه پایدار - به عنوان برآیند حکمرانی خوب و مشارکت شهروندی - جز از طریق سازوکارهای «نظارت» و «پاسخگویی» امکان پذیر نیست. چرا که حکمرانی خوب، تنها از طریق نهادینه سازی «پاسخگویی» ممکن نیست، و این نیز مشروط است به مشارکت شهروندی که در «نظارت همگانی» نهادین شده، امکان بروز مسئولانه می یابد. بدون وجود احساسی در میان شهروندان که نظارت آن ها به پاسخگویی مدیران می انجامد، دلیلی برای مسئولیت پذیری شهروندان وجود ندارد. بدون چنین احساسی، شهروندان «اعتماد عمومی» خود را نصیب حکمرانان نخواهند کرد و حاضر نیستند «سرمایه های اجتماعی» خود را در اختیار حوزه عمومی و در نتیجه فرآیند توسعه قرار دهند.

با توجه به این کلیت مفهومی، بررسی درون نگر مرکز نظارت همگانی (۱۸۸۸)، نه به توصیفی دقیق و نه به تحلیلی متین خواهد انجامید. پیش شرط چنین توصیف و تحلیلی،

توجه به متنی<sup>۱</sup> است که دگرگونی های آن، تاسیس این نهاد را به ضرورتی غیر قابل چشم پوشی تبدیل کرده است.

همانطور که در آغاز مقدمه آوردیم، به نظر می آید که گرایش به ناحیه و محله، در مقابل ساختار منطقه ای شهر تهران، و عملیاتی کردن پروژه «ارزیابی تاثیر اجتماعی»، در سطوحی متفاوت در خدمت تحقق هدف پیش گفته (تحول ساختاری مدیریت شهری) و در راستای دستیابی به توسعه پایدار تنظیم شده اند. تنها در چنین متنی، و با توجه به وجود سازمان های نظارتی کلاسیک در شهرداری، تاسیس «مرکز نظارت همگانی (۱۸۸۸)» معنادار بنظر می آید.

بر خلاف سازمان های عمودی نظارتی، این مرکز، نظارت درون سازمانی را با نظارت شهروندی پیوند می دهد تا شعار «شهروند مسئول-مدیر پاسخگو» را متحقق سازد. در ادبیات نظری این نوع از نظارت ذیل مفهوم «پاسخگویی مورب» بررسی شده است. ما نیز در فصل مربوطه (فصل پنجم) از همین منظر و بر مبنای مدل نظری-مفهومی ای که در انتهای فصل های نظری (فصل یک تا چهار) تدوین شده است به بررسی و تحلیل «مرکز نظارت همگانی (۱۸۸۸)» خواهیم پرداخت. بر اساس یافته های این فصل، ما در فصل پایانی (فصل ششم) به ارائه راهکارها و پیشنهادات خود خواهیم پرداخت.

---

<sup>۱</sup> Context